

بر این اساس اگر فرصت شد جبران خسارت، عمل به وعده‌های دوران کرونا و نظارت قضایی را توضیح می‌دهم و این‌ها نکاتی است که باید توجه شود. ما داریم بر جایگاه مجلس تأکید می‌کنیم. در نظام حقوقی، مجلس جایگاه روشن و اثرگذاری دارد. مجلس باید اثرگذار باشد و نمی‌تواند صلاحیت‌های خود، از جمله صلاحیت اصل ۷۹ را تفویض کند. در اصل ۸۵ قانون‌گذاری قائل به شخص نمایندگان است و چنین مواردی را نمی‌توان تفویض کرد. در چنین شرایطی مجلس باید باشد و اثرگذاری خود را داشته باشد. آقای دکتر هم اشاره کردند به اینکه مجلس مصوبه می‌گذارد و برای مردم محدودیت‌هایی قائل می‌شود و آثاری دارد. واقعیت این است که اگر در چنین شرایطی اصل

شورای امنیت ملی برای تصمیم‌گیری جهت مقابله با تهدیدات، یکسری شوراهای فرعی پیش‌بینی کرده است. اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا یکی از آن شوراهای فرعی است، یا خیر، محل بحث است. عرض کردم وقتی شفافیت وجود ندارد ما مصوبات را نمی‌بینیم؛ اصولاً مصوبات شورای عالی امنیت ملی طبقه‌بندی دارند و نمی‌توانیم در مورد آن‌ها اظهار نظر دقیق حقوقی داشته باشیم.

۷۹ اجرا نشود، نمی‌دانم در چه شرایطی می‌توان برایش مثالی یافت، البته مثال‌ها به این شرایط محدود نیستند؛ ولی یکی از مثال‌های بارز می‌تواند این شرایط باشد و در چنین شرایطی مجلس می‌تواند تصمیمات مهمی بگیرد و مردم حس کنند همان‌طور که امام علیه‌السلام فرمودند، «مجلس در رأس امور است»، اثرگذار بوده، قانون اساسی مبنای عمل آن است و با استفاده از ظرفیت‌هایش، تصمیمات مهمی گرفته می‌شود. ما در انتهای این فرایند می‌توانیم قضاوت کنیم که مجلس و دولت وقوه قضائیه هر کدام تا چقدر اثرگذار بودند؛ در کنترل شیوع و مدیریت این بحران یا ابتلائی که در آن قرار گرفتیم.

طحان نظیف: در پاسخ به اینکه پرسیده بودید،

آیا مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا برای مجلس الزام‌آور است؛ باید گفت به یک معنا بله. وقتی در چارچوب اصل ۱۷۶ با اقتضانات آن اصل، مصوبه‌ای گذارده می‌شود، مثل بقیه قوانین برای همه حتی رهبر، مجلس و قوه قضائیه هم الزام‌آور است. وقتی تشریفات لایحه‌ای طی و تصویب شد، یعنی اعتبار دارد و همه باید از آن تبعیت کنند؛ اما آیا این شورا که ستادی تشکیل داده است و مباحثی دارد، می‌تواند حکم تعطیلی برخی از نهادها و ساختارها را بدهد؟ این امر جای تأمل دارد. گفته‌اند که حرمت امامزاده با متولی آن است؛ پس اگر مجلسی ادعا می‌کند در رأس امور است، خودش باید چنین جایگاهی را برای خویش حفظ کند و اگر نکند بازور و سخنرانی نمی‌شود و فقط باید در عمل نشان دهد. آقای دکتر به برخی وقایع تاریخی اشاره کردند؛ یک وقت مجلسی در دل خطر وارد می‌شود و مجلسی دیگر ممکن است از خطر بگریزد؛ خاطره این‌ها در افکار عمومی می‌ماند و در آینده قضاوت خواهند شد.

درباره قوه مجریه و عملکرد هیئت دولت، ستاد ملی مبارزه با کرونا اگر نکته‌ای دارید، بنفرمایید. بحث‌هایی مطرح است که اگر بنا بر تشکیل ستاد باشد و از ظرفیت ۱۷۹ استفاده نشود و از اصل ۱۷۶ استفاده شود، ریاست این ستاد شاید بهتر است شخصی با اختیاراتی بالاتر از وزیر بهداشت و به‌طور مشخص رئیس‌جمهور یا معاون اول رئیس‌جمهور یا افراد دیگری باشد که احاطه بیشتری بر امور مختلف کشور داشته باشند؛ آیا در این مورد الزام یا مقرری داریم و این امر به دولت واگذار شده است؟

طحان نظیف: شورای امنیت ملی برای تصمیم‌گیری جهت مقابله با تهدیدات، یکسری شوراهای فرعی پیش‌بینی کرده است. اینکه ستاد ملی مبارزه با کرونا یکی از آن شوراهای فرعی است، یا خیر، محل بحث است. عرض کردم وقتی شفافیت وجود ندارد ما مصوبات را نمی‌بینیم؛ اصولاً مصوبات شورای عالی امنیت ملی طبقه‌بندی دارند و نمی‌توانیم در مورد آن‌ها اظهار نظر دقیق حقوقی داشته باشیم.

اواخر اسفند تا اوایل فروردین بسیار تحصن کردم که بتوانم مصوبات این ستاد یا خود هیئت وزیران را در راستای ستاد ملی مبارزه با کرونا به دست آورم و مطالعه کنم، ولی مطلب خاصی دستگیرم نشد؛ بنابراین اظهار نظر حقوقی دقیق نمی‌توانم انجام دهم. چون باید بر اساس مستندات و اطلاعات دقیق صحبت

کنم؛ اما به‌طور کلی وقتی رئیس‌جمهور ریاست شورای را بر عهده می‌گیرد یا معاون رئیس‌جمهور که جایگاه برتری از سایر اعضای هیئت دولت دارد، به نیابت از رئیس‌جمهور می‌تواند هماهنگی و راهبری و از جانب او صحبت کند، از این جهت برش تصمیمات بیشتر است و در عمل تصمیمات بیشتری گرفته می‌شود و مقامات استانی، استانداران به‌ویژه فرمانداران به خط می‌شوند. اگر بخواهیم عامیانه صحبت کنیم، مثل این است که پزشک محترم متخصصی دغدغه‌های تخصصی درمانی هم دارد؛ ولی برای چنین روزهایی آموزش ندیده است و افرادی که باید از او فرمان ببرند در چنین مواقعی حاضر به این کار نمی‌شوند.

در ترکیب شورای تأمین که استاندار در رأس آن است، همه مقامات امنیتی - نظامی اجرایی استان حاضر هستند و وقتی استاندار تصمیمی می‌گیرد، همه تبعیت می‌کنند؛ ولی اگر نظم ساختاری را به هم بریزیم و نهاد یا فرد دیگری را جایگزین کنیم، مشکلاتی را به وجود می‌آورد. البته به‌ظاهر خیلی زود تغییر کرد و پس از مدتی رئیس‌جمهور در رأس شورا قرار گرفت.

درباره قوه قضائیه باید بگویم بر اساس مطالعه تطبیقی که من داشته‌ام در خصوص اینکه اقدامات و تصمیمات دوران وضعیت اضطراری قابل نظارت قضایی هست یا نیست، اختلاف نظر وجود دارد؛ هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ قوانین اساسی کشورهای دنیا. برخی کشورها نظارت قضایی بر تصمیمات و اقدامات را پذیرفته‌اند؛ یعنی شما می‌توانی دادخواهی کنی، ولی برخی آن را به‌صراحت نفی کرده‌اند.

قانون اساسی ما دلالتی بر نفی ندارد و دوم اینکه اصل ۹ سلب حق‌ها و آزادی مشروع را به‌صراحت منتفی کرده است. پس حق دادخواهی به این قاعده پابرجاست. بر طبق اصل ۳۴، دادخواهی حق مسلم است؛ یعنی در هیچ شرایطی قابل سلب و نقض نیست. می‌توانیم به این عموماً استناد کنیم و بگوییم امکان دادخواهی وجود دارد؛ اما اینکه نزد کدام مرجع، بستگی به دعوائی دارد که بخواهد بررسی شود.

قوه قضائیه طبق اصل ۱۵۶ یک قوه مستقل است و وظیفه منحصربه‌فردی با عنوان «احیای حقوق عامه» دارد. حقوق عامه با حقوق شهروندی متفاوت است. حقوق عامه که گاهی حقوق عمومی گفته می‌شود، آن دسته از منافع و حقوقی هستند که به «جمع بما هو جمع» یعنی به حیثیت جمعی جامعه تعلق دارند؛ حیثیت جمعی به یک تشکل اختصاص دارد. بهداشت